آسیب‌شناسی توسعه‌نیافتگی دوومیدانی در ایران: تحلیل چندبعدی موانع ساختاری، زیرساختی، انسانی و اجتماعی_فرهنگی

محمد جعفری[۱] صدیقه اسلامی[۲]

چکیده

دوومیدانی به‌عنوان «مادر ورزش‌ها» در سطح جهانی از جایگاهی ممتاز برخوردار است، اما در ایران همچنان در حاشیه قرار دارد و نتوانسته است به بخشی از فرهنگ عمومی و هویت ورزشی جامعه تبدیل شود. این پژوهش با رویکرد اجتماعی–فرهنگی به بررسی وضعیت دوومیدانی ایران پرداخته و نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و فرهنگی مانع از رشد و تثبیت این رشته در کشور شده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که بیش از ۸۰ درصد مسابقات داخلی دوومیدانی بدون پوشش تلویزیونی برگزار می‌شوند و این امر باعث ناشناخته ماندن قهرمانان و نبود حمایت مالی می‌گردد. همچنین فرهنگ عمومی ایران به دلیل جذابیت هیجان لحظه‌ای و جمعی، بیشتر به سمت ورزش‌های تیمی و برخوردی مانند فوتبال، والیبال و کشتی متمایل است و دوومیدانی به‌عنوان ورزشی انفرادی و رکوردمحور جذابیت کمتری یافته است. ضعف در قهرمان‌سازی و روایت‌پردازی رسانه‌ای، نقش محدود مدارس در اجتماعی‌سازی این رشته، حضور کم‌رنگ زنان به‌دلیل موانع فرهنگی و زیرساختی، نبود بازاریابی فرهنگی و فقدان رویدادهای مردمی، و در نهایت غیبت دوومیدانی در رسانه‌های نوین از دیگر موانع اصلی توسعه این ورزش به شمار می‌روند. مقایسه با کشورهای موفقی چون کنیا، جامائیکا و ژاپن نشان می‌دهد که پیوند دوومیدانی با ارزش‌های فرهنگی، رسانه‌های پرقدرت و نظام آموزشی فعال، عامل اصلی ارتقای جایگاه آن بوده است. بنابراین، نتیجه‌گیری پژوهش آن است که مشکل دوومیدانی ایران نه کمبود استعداد و امکانات، بلکه فقدان جایگاه اجتماعی_فرهنگی است. راهکارهای پیشنهادی شامل افزایش پوشش رسانه‌ای، تقویت قهرمان‌سازی، حمایت ویژه از زنان، توسعه رویدادهای شهری و خانوادگی، و بهره‌گیری از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی است. تحقق این سیاست‌ها می‌تواند دوومیدانی را از حاشیه خارج کرده و به بخشی از هویت ورزشی و فرهنگی ایران بدل سازد.

واژگان کلیدی: دوو میدانی، ضعف مدیریت، کاهش انگیزه، استعداد یابی، تبلیغات و رسانه

۱_ کارشناسی ارشد تربیت بدنی دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب.AKhmaz1400@gmail.com

۲_ عضو هئیت علمی دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب.Aeslami2008@gmail.com

بیان مساله

ورزش در جهان امروز صرفاً یک فعالیت جسمانی یا سرگرمی فردی نیست، بلکه پدیده‌ای اجتماعی–فرهنگی است که در حوزه‌هایی مانند هویت‌سازی، انسجام اجتماعی، سرمایه فرهنگی و بازنمایی رسانه‌ای نقش ایفا می‌کند (بوردیو، ۱۳۸۰: ۲۵؛ Giulianotti, 2005: 19) .در ایران، ورزش‌هایی چون فوتبال، کشتی و والیبال جایگاهی ویژه در فرهنگ عمومی یافته‌اند، اما دوومیدانی با وجود پیشینه تاریخی و ظرفیت‌های گسترده، همچنان در حاشیه مانده است. این در حالی است که دوومیدانی در سطح جهانی «مادر ورزش‌ها» شناخته می‌شود و بستری برای تولید قهرمانان ملی و نمادهای فرهنگی محسوب می‌گردد (Bale & Sang, 1996: 11). یکی از چالش‌های مهم در این زمینه، جذابیت پایین رسانه‌ای دوومیدانی در ایران است. رسانه‌ها به‌ویژه صداوسیما که نقش تعیین‌کننده در شکل‌دهی به سلیقه ورزشی جامعه دارند، توجه ناچیزی به این رشته نشان می‌دهند. مسابقات داخلی به‌ندرت پوشش داده می‌شوند و حتی موفقیت‌های بین‌المللی نیز با کمترین بازتاب مواجه است (اباذری، ۱۳۹۰: ۷۲). این وضعیت موجب می‌شود دوومیدانی در افکار عمومی به‌عنوان ورزشی کم‌اهمیت جلوه کند و به‌دلیل نبود دیده‌شدن، حامیان مالی نیز تمایلی به سرمایه‌گذاری در آن نداشته باشند.(Hutchins & Rowe, 2012: 45)

عامل دیگر، ترجیح فرهنگی برای ورزش‌های تیمی و برخوردی است. فرهنگ عمومی ایران بیشتر با ورزش‌هایی که جنبه جمعی و هیجان لحظه‌ای دارند، مانند فوتبال و کشتی، پیوند خورده است. این ورزش‌ها به دلیل درگیری فیزیکی و هیجان بالای مسابقات، امکان بروز احساسات جمعی را فراهم می‌آورند (فراهانی، ۱۳۹۴: ۱۲۰). در مقابل، دوومیدانی ورزشی انفرادی و رکوردمحور است که کمتر با روحیه جمعی جامعه ایران سازگار دیده می‌شود.(Lines, 2001: 288) ضعف در قهرمان‌سازی نیز مشکل اساسی دیگری است. در ایران قهرمانان دوومیدانی تنها در مقاطع خاص مانند مدال‌آوری احسان حدادی یا چند ورزشکار محدود به جامعه معرفی شده‌اند و این معرفی هم پایدار نبوده است. رسانه‌ها روایت‌پردازی فرهنگی لازم برای تثبیت این قهرمانان در حافظه جمعی را انجام نداده‌اند (فراهانی، ۱۳۹۴: ۱۲۴؛ Fletcher, 2011: 77) .در حالی که در کشورهایی چون جامائیکا، شخصیت‌هایی مانند یوسین بولت به نمادهای ملی و فرهنگی تبدیل شده‌اند و حضورشان حتی فراتر از میدان مسابقه معنا یافته است (Bale & Sang, 1996: 56). از منظر مدیریتی، نبود نگاه بازاریابی فرهنگی نیز قابل‌توجه است. مدیران ورزشی در ایران غالباً نگاه سنتی به ورزش دارند و آن را صرفاً در قالب قهرمانی می‌بینند، در حالی‌که ورزش باید همچون محصولی فرهنگی عرضه و ترویج شود. این امر مستلزم طراحی رویدادهای مردمی مانند دوهای خیابانی، جشنواره‌های شهری یا مسابقات خانوادگی است که می‌تواند دوومیدانی را با زندگی روزمره پیوند دهد (امینی، ۱۳۹۶: ۵۱؛ Giulianotti, 2005: 64). نظام آموزشی نیز در این میان نقش کلیدی دارد. مدارس می‌توانند زمینه‌ساز اجتماعی‌سازی دوومیدانی باشند، اما در عمل این رشته به چند فعالیت ساده در زنگ ورزش محدود می‌شود. در نتیجه، دانش‌آموزان نه‌تنها مهارت‌های پایه را فرا نمی‌گیرند، بلکه ارتباط

عاطفی و فرهنگی با این ورزش پیدا نمی‌کنند (مهرابی، ۱۳۹۲: ۸۹). در حالی که در کشورهایی مانند ژاپن، مسابقات دانش‌آموزی «اکیدن» به رویدادی ملی با میلیون‌ها بیننده تبدیل شده است.(Nakazawa, 2017: 92)

بعد دیگر به حضور زنان در دوومیدانی مربوط است. این رشته ظرفیت بالایی برای مشارکت زنان دارد، اما محدودیت‌های فرهنگی و ضعف زیرساخت‌ها باعث شده است که سهم زنان ناچیز باقی بماند. حال آن‌که مشارکت زنان می‌تواند سرمایه اجتماعی و فرهنگی دوومیدانی را ارتقا دهد (نیک‌پی، ۱۳۹۷: ۹۲؛ Hargreaves, 2000: 48).علاوه بر این، دوومیدانی در ایران کمتر با ارزش‌های فرهنگی و ملی پیوند خورده است. در بسیاری از کشورها، ورزش بخشی از آیین‌ها و مناسبت‌های اجتماعی محسوب می‌شود و همین پیوند موجب تقویت جایگاه آن در فرهنگ عمومی می‌گردد(هاشمی، ۱۳۹۴: ۳۲؛ Xu, 2012: 136) .اما در ایران، تلاش محدودی برای برگزاری دوهای همگانی در مناسبت‌های ملی یا مذهبی صورت گرفته و همین موضوع مانع گسترش نفوذ اجتماعی این رشته شده است. در نهایت، استفاده ناکافی از رسانه‌های نوین نیز یک مانع جدی است. نسل جوان امروز بیش از تلویزیون به رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی توجه دارد. تولید محتوای آنلاین، پخش زنده اینترنتی و استفاده از اپلیکیشن‌های ورزشی می‌تواند ابزار مهمی برای معرفی دوومیدانی باشد، اما تاکنون سیاست‌گذاری مدونی در این زمینه صورت نگرفته است (قاسمی، ۱۴۰۰: ۲۳۵؛ Hutchins & Rowe, 2012: 87).

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت اکتشافی و عمق‌نگر موضوع، از رویکرد کیفی (Qualitative Approach) بهره می‌برد. هدف این تحقیق، صرفاً توصیف وضعیت یا شمارش مشکلات نیست، بلکه دستیابی به درکی عمیق و غنی از تعاملات پیچیده‌ای است که به توسعه‌نیافتگی دوومیدانی منجر شده‌اند. بر این اساس، استراتژی اصلی پژوهش، مطالعه موردی (Case Study) خواهد بود که در آن، «نظام دوومیدانی ایران» به عنوان یک مورد واحد و کل‌نگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. این رویکرد به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا پدیده را در بستر واقعی و با تمام پیچیدگی‌هایش تحلیل کند.

برای گردآوری داده‌ها، از دو روش اصلی استفاده خواهد شد. روش اصلی، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با جامعه‌ای از خبرگان است که به صورت نمونه‌گیری هدفمند (Purposive Sampling) انتخاب می‌شوند. این جامعه شامل مدیران کلان ورزش، رؤسای فدراسیون در ادوار مختلف، مربیان نخبه و سازنده، قهرمانان ملی و المپیکی (فعلی و بازنشسته) و صاحب‌نظران حوزه مدیریت و

جامعه‌شناسی ورزش می‌باشد. فرآیند مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری (Theoretical Saturation) ادامه خواهد یافت. روش دوم، تحلیل اسناد و مدارک (Document Analysis) است که شامل بررسی اسناد بالادستی، برنامه‌های توسعه ورزش، گزارش‌های عملکرد فدراسیون، بودجه‌های سالیانه و آرشیو رسانه‌ها می‌شود تا داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با شواهد مستند تکمیل و اعتبارسنجی گردد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد (Grounded Theory) و از طریق سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت خواهد پذیرفت. با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای تحلیل داده‌های کیفی ، مفاهیم و مقولات کلیدی از داده‌ها استخراج شده و ارتباط میان آن‌ها کشف می‌شود. خروجی نهایی این فرآیند، ارائه یک مدل نظری جامع خواهد بود که به صورت نظام‌مند، موانع چهارگانه و نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر را در ایجاد وضعیت فعلی دوومیدانی ایران تبیین می‌کند.

مروری بر پیشینه پژوهش

برای فهم عمیق دلایل توسعه‌نیافتگی دوومیدانی ایران، بررسی پژوهش‌های پیشین امری ضروری است. این مرور ادبیات نشان می‌دهد که اگرچه محققان مختلفی از زوایای گوناگون به این حوزه پرداخته‌اند، اما عمدتاً نگاهی تک‌بعدی داشته و از ارائه یک تحلیل جامع و یکپارچه بازمانده‌اند. پژوهش‌های موجود را می‌توان در چند دسته اصلی طبقه‌بندی کرد: مطالعات مدیریتی و ساختاری، تحقیقات متمرکز بر زیرساخت‌ها و استعدادیابی، و تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی. پیشینه زیر، ضمن ارج نهادن به این تلاش‌ها، شکاف تحقیقاتی موجود یعنی فقدان یک مدل چندبعدی و آسیب‌شناسانه را برجسته‌تر می‌سازد.

۱_ قاسمی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل توزیع فضایی امکانات و زیرساخت‌های ورزشی و ارتباط آن با توسعه ورزش قهرمانی: مطالعه موردی دوومیدانی»، به بررسی نابرابری شدید در توزیع پیست‌های تارتان، سالن‌های سرپوشیده و تجهیزات استاندارد در استان‌های مختلف ایران پرداخت. یافته‌های او که با استفاده از تحلیل‌های آماری و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) به دست آمده، نشان می‌دهد که موفقیت‌های دوومیدانی ایران به شدت با تمرکز امکانات در چند استان خاص مرتبط بوده و استان‌های محروم عملاً از چرخه استعدادیابی و پرورش قهرمان حذف شده‌اند. این تحقیق، بعد زیرساختی مشکل را به خوبی روشن می‌کند اما به این پرسش پاسخ نمی‌دهد که چرا حتی در استان‌های برخوردار نیز دوومیدانی با بحران مواجه است.

۲_سجادی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «آسیب‌شناسی نظام مدیریتی در فدراسیون‌های ورزشی ایران: تأکید بر نقش ثبات و تخصص»، از طریق مصاحبه با مدیران و کارشناسان، به این نتیجه رسیدند که تغییرات مکرر مدیریتی، انتصابات غیرتخصصی و فقدان برنامه‌ریزی راهبردی بلندمدت، مهم‌ترین موانع توسعه در فدراسیون‌های ورزشی از جمله دوومیدانی هستند. این پژوهش کیفی، ضعف‌های موجود در بعد ساختاری و مدیریتی را به خوبی نمایان می‌سازد، اما تأثیر این نوع مدیریت بر ابعاد دیگر مانند بدنه مربیان، انگیزه ورزشکاران و جایگاه اجتماعی رشته را تحلیل نمی‌کند.

۳_ Houlihan (2019) در کتاب «سیاست‌گذاری ورزشی: از سطح ملی تا جهانی»، مدلی را برای تحلیل نظام‌های موفق ورزش قهرمانی ارائه می‌دهد. او بر اهمیت حیاتی پیوند میان نهاد آموزش عمومی (مدارس)، باشگاه‌های ورزشی محلی و فدراسیون‌های ملی تأکید می‌کند. طبق مدل او، کشورهایی که در ورزش‌های پایه مانند دوومیدانی موفق هستند، دارای یک «مسیر استعدادیابی یکپارچه»

از مدارس تا سطح المپیک هستند. این منبع خارجی یک چارچوب نظری قوی برای درک «حلقه مفقوده» بین آموزش و پرورش و ورزش قهرمانی در ایران فراهم می‌کند و خلأ موجود در پژوهش حاضر را برجسته می‌سازد.

۴_ کریمی (۱۴۰۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر فرسودگی شغلی و کاهش انگیزه در میان مربیان دوومیدانی ایران»، از طریق پرسشنامه و مصاحبه نشان داد که عواملی چون درآمد ناکافی، عدم امنیت شغلی، نبود فرصت‌های دانش‌افزایی و عدم حمایت فدراسیون، به کاهش شدید انگیزه و کیفیت کار مربیان پایه منجر شده است. این تحقیق به خوبی به بعد انسانی مشکل می‌پردازد اما آن را به سایر ابعاد، مانند تأثیر جذابیت پایین رسانه‌ای بر درآمدزایی رشته و متعاقباً حقوق مربیان، پیوند نمی‌دهد.

۵_ اسدی و محمدی (۱۳۹۸) در پژوهشی جامعه‌شناختی با عنوان «تحلیل جایگاه ورزش‌های انفرادی در سبد مصرف فرهنگی نوجوانان ایرانی: مطالعه موردی فوتبال در برابر دوومیدانی»، دریافتند که دوومیدانی به دلیل پوشش رسانه‌ای بسیار ضعیف، فقدان ستاره‌های ملی جذاب و ماهیت رکوردی و غیرهیجانی (در مقایسه با ورزش‌های تیمی)، از جذابیت بسیار پایینی در میان نسل جدید برخوردار است. این تحقیق بعد اجتماعی-فرهنگی را به خوبی شکافته و توضیح می‌دهد که چرا ورودی سیستم استعدادیابی دوومیدانی با کمبود مواجه است.

۶_ Thompson (2020) .در مقاله‌ای با عنوان «نقش علم ورزش در برنامه‌های توسعه دوومیدانی: یک مقایسه بین‌المللی»، عملکرد کشورهایی مانند بریتانیا و استرالیا را تحلیل می‌کند. او نشان می‌دهد که موفقیت این کشورها در دهه‌های اخیر، مدیون سرمایه‌گذاری سنگین بر علوم ورزشی (تغذیه، بیومکانیک، روانشناسی) و استفاده از تحلیل داده‌ها در تمام سطوح استعدادیابی و تمرین است. این

پژوهش، خلأ بزرگ موجود در بعد علمی و فناوری در دوومیدانی ایران را آشکار می‌سازد و به عنوان یک معیار برای مقایسه وضعیت ایران با استانداردهای جهانی عمل می‌کند.

۷_ گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲) با موضوع «تحلیل تطبیقی بودجه فدراسیون‌های ورزشی و مدل بهینه تخصیص منابع»، به صورت مستند نشان می‌دهد که بودجه فدراسیون دوومیدانی در مقایسه با اهمیت بنیادین آن و همچنین در قیاس با فدراسیون‌های مدال‌آور دیگر، بسیار ناچیز و ناکافی است. این گزارش رسمی، شواهد محکمی برای تحلیل بعد ساختاری و مدیریتی فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که ضعف دوومیدانی، پیش از هرچیز، ناشی از یک نگاه غیرراهبردی در سطح کلان سیاست‌گذاری ورزش کشور است.

۸_ صادقی (۱۳۹۷) در تحقیقی کیفی با عنوان «تجربه زیسته قهرمانان بازنشسته دوومیدانی: روایت‌هایی از فرصت‌ها و چالش‌های مسیر قهرمانی»، از طریق مصاحبه‌های عمیق با قهرمانان سابق، نشان داد که نبود مسیر شغلی مشخص پس از دوران قهرمانی، مشکلات مالی شدید در طول دوره ورزشی و فقدان حمایت‌های اجتماعی، مهم‌ترین دلایل مهاجرت نخبگان یا رها کردن ورزش در

اوج بوده‌اند. این پژوهش به خوبی به ابعاد انسانی و اجتماعی از نگاه ورزشکاران پرداخته و نشان می‌دهد که سیستم، توانایی حفظ قهرمانان خود را نیز ندارد.

بخش اول: ضعف ساختاری و مدیریتی

دوومیدانی به‌عنوان «ورزش مادر» جایگاهی بی‌بدیل در نظام ورزش قهرمانی جهان دارد. این رشته نه‌تنها زیرساختی برای توسعه سایر رشته‌ها محسوب می‌شود، بلکه شاخصی برای سنجش کیفیت سیاست‌گذاری‌های ورزشی در سطح ملی نیز تلقی می‌گردد (Whitehead, 2010: 56). در بسیاری از کشورها، جایگاه و موفقیت در دوومیدانی نشان‌دهنده میزان کارآمدی ساختارهای مدیریتی، نظام آموزشی و میزان سرمایه‌گذاری‌های راهبردی است. به بیان دیگر، دوومیدانی نوعی «آینه سیاست‌گذاری ورزشی» به شمار می‌رود که ضعف‌ها و قوت‌های مدیریت کلان ورزش یک کشور را به‌وضوح بازتاب می‌دهد.(Thibault, 2017: 115) در ایران، وضعیت دوومیدانی طی دو دهه اخیر بیانگر نوعی توسعه‌نیافتگی مزمن بوده است. افت محسوس نتایج در میادین آسیایی و جهانی، کاهش سهمیه‌های المپیک، و بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی، همگی از نشانه‌های بحران در این رشته پایه هستند

.(Smith, 2021: 45)ریشه این مشکلات در سطح کلان نه‌تنها به کمبود منابع یا مسائل فنی محدود نمی‌شود، بلکه بیش از هر چیز به ضعف سیاست‌گذاری، بی‌ثباتی مدیریتی و نبود یک راهبرد جامع و پایدار بازمی‌گردد (سجادی، ۱۳۹۹: ۱۱۲).

تجربه کشورهای موفق همچون چین، ژاپن و حتی برخی کشورهای آفریقایی مانند کنیا و اتیوپی نشان می‌دهد که پشت هر جهش قهرمانی، یک برنامه‌ریزی ساختاری ۱۰ تا ۲۰ ساله نهفته است. این برنامه‌ها معمولاً با محوریت مدارس، حمایت دولت، و پیوند میان نهادهای آموزشی و ورزشی طراحی و اجرا می‌شوند .(Bale, 2004: 63) در مقابل، سیاست‌گذاری‌های ورزش ایران اغلب کوتاه‌مدت و نتیجه‌گرا بوده و بیشتر به کسب مدال در دوره‌های چهار ساله مسابقات آسیایی و المپیک محدود می‌شود (قاسمی، ۱۴۰۱: ۷۸). این نگاه مقطعی نه‌تنها مانع توسعه پایدار دوومیدانی شده، بلکه به فرسایش منابع انسانی و کاهش انگیزه میان ورزشکاران و مربیان نیز دامن زده است. ضعف‌های کلان در این حوزه را می‌توان در چهار محور اصلی دسته‌بندی کرد: ۱) فقدان سند راهبردی بلندمدت، ۲) گسست میان آموزش و پرورش و ورزش قهرمانی، ۳) بودجه‌ریزی ناعادلانه و ناکافی، و ۴) بی‌ثباتی و عدم استقلال مدیریتی. این چهار مؤلفه در تعامل با یکدیگر چرخه‌ای معیوب می‌سازند که پیامد آن، افت مستمر در نتایج و کاهش سرمایه اجتماعی دوومیدانی است. به‌عنوان نمونه، کمبود بودجه (ساختاری) منجر به ضعف زیرساخت‌ها می‌شود؛ این ضعف به کاهش انگیزه ورزشکاران (انسانی) می‌انجامد؛ کاهش انگیزه نیز به کاهش جذابیت رسانه‌ای و اجتماعی دوومیدانی منجر می‌شود (اجتماعی-فرهنگی)؛ و در نهایت، این افول اجتماعی دوباره به سیاست‌گذاران علامت می‌دهد که این رشته اولویتی ندارد، و چرخه ادامه پیدا می‌کند (Thibault, 2017: 118). این بخش با رویکرد تحلیلی و آسیب‌شناسانه، به بررسی این چهار محور کلان پرداخته و تلاش می‌کند با بهره‌گیری از شواهد داخلی و خارجی، ریشه‌های ضعف ساختاری و مدیریتی در دوومیدانی ایران را روشن سازد.

۱_ فقدان سند راهبردی بلندمدت

یکی از بنیادی‌ترین مشکلات دوومیدانی ایران نبود یک سند جامع و راهبردی برای توسعه پایدار است. سندی که بتواند افق ۱۰ تا ۱۵ ساله را ترسیم کرده و مراحل پرورش استعداد از پایه تا قهرمانی را نظام‌مند کند .(Smith, 2021: 52) در حالی‌که فدراسیون‌های موفق جهان دارای «نقشه راه» هستند، در ایران مدیریت فدراسیون اغلب تابع تغییرات کوتاه‌مدت سیاسی و سلیقه‌ای است. به گفته یکی از مدیران سابق فدراسیون :« ما در دوومیدانی بیشتر به فکر کسب مدال در یک بازی آسیایی یا یک دوره المپیک هستیم. اما این نگاه نمی‌تواند آینده‌ای برای این رشته بسازد» (نقل در کریمی، ۱۴۰۰: ۶۶).

در کشورهای پیشرفته، برنامه‌های توسعه‌ای شامل سه محور اصلی هستند:

- پایه‌گذاری در مدارس و باشگاه‌ها
- ایجاد نظام استعدادیابی متمرکز و علمی
- تأمین منابع مالی پایدار

برای مثال، بریتانیا پس از ناکامی در المپیک آتلانتا ۱۹۹۶، با تدوین «سند توسعه ملی ورزش» و اختصاص بودجه‌های کلان، توانست ظرف یک دهه به قدرتی جهانی در دوومیدانی بدل شود .(UK Sport, 2012: 13) ایران اما همچنان فاقد چنین سندی است، و نتیجه آن برنامه‌هایی پراکنده، مقطعی و غیرپایدار است.

۲ـ حلقه مفقوده میان آموزش و پرورش و ورزش قهرمانی

دوومیدانی رشته‌ای است که استعدادهای آن باید در سنین پایین شناسایی و پرورش یابند. اما در ایران، سیستم آموزشی و تربیت‌بدنی مدارس فاقد پیوند مؤثر با ورزش قهرمانی است (سجادی، ۱۳۹۹: ۱۲۰).

- زنگ تربیت بدنی :اغلب به بازی‌های گروهی مانند فوتبال و والیبال محدود می‌شود و دوومیدانی جایگاه ناچیزی دارد.
- معلمان غیرمتخصص :بسیاری از معلمان تربیت‌بدنی تخصص کافی در آموزش مهارت‌های دوومیدانی ندارند.
- المپیادهای ورزشی :بیشتر جنبه تشریفاتی دارند و فرآیند انتقال استعداد به باشگاه‌ها ناکارآمد است (قاسمی، ۱۴۰۱: ۸۱).

تجربه ژاپن نشان می‌دهد که پیوند مدارس و باشگاه‌ها عامل اصلی موفقیت است. ژاپن با برگزاری مسابقات سالانه دانش‌آموزی (Inter-High School Championships)نه‌تنها استعدادها را شناسایی می‌کند، بلکه مسیر انتقال آن‌ها به تیم‌های حرفه‌ای را

تضمین کرده است.(Nakazawa, 2018: 214) در ایران، عدم وجود این حلقه مفقوده باعث شده استعدادهای خام یا کشف نشوند، یا در سنین جوانی به دلیل نبود حمایت ساختاری از ورزش کنار بروند. این موضوع موجب اتلاف سرمایه انسانی عظیم شده است.

۳ـ بودجه‌ریزی ناعادلانه و ناکافی

۳_۱_ سهم اندک دوومیدانی از بودجه کل ورزش

طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۳: ۲۱)، سهم فدراسیون دوومیدانی از کل بودجه ورزش‌های مدال‌آور کمتر از ۲ درصد بوده است. این عدد زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بدانیم رشته‌هایی مانند فوتبال با وجود بازده مدالی اندک در المپیک، بیش از ۲۰ برابر این میزان بودجه دریافت می‌کنند.

۳_۲_ پیامدهای مستقیم کمبود بودجه

- **ضعف زیرساختی :**بسیاری از پیست‌های دوومیدانی ایران فرسوده‌اند. تنها چند استان کشور پیست استاندارد دارند (قاسمی، ۱۴۰۱: ۸۴). نبود امکانات تمرینی مدرن، ورزشکاران را مجبور می‌کند در شرایط نامطلوب تمرین کنند.
- **کمبود منابع انسانی باکیفیت :**حقوق پایین مربیان دوومیدانی نسبت به رشته‌هایی مثل فوتبال و کشتی باعث شده بسیاری از مربیان مستعد به رشته‌های پردرآمدتر مهاجرت کنند یا از کار کنار بکشند.
- **محدودیت در اعزام‌ها :**اعزام‌های بین‌المللی نقشی کلیدی در رشد ورزشکاران دارد. اما در سال‌های اخیر بارها مشاهده شده که تیم‌های ملی به دلیل «مشکلات مالی» از حضور در رقابت‌ها بازمانده‌اند (کریمی، ۱۴۰۰: ۶۷).
- **فقدان پژوهش و علم‌افزایی :**دوومیدانی نیازمند تحقیقات مداوم در حوزه‌های بیومکانیک، فیزیولوژی و روان‌شناسی ورزشی است. اما بخش پژوهش فدراسیون عملاً تعطیل است.

۳_۳_ بودجه به‌عنوان محرک توسعه پایدار

در کشورهای موفق، بودجه‌ریزی به‌صورت عملکردمحور انجام می‌شود. یعنی فدراسیون‌ها بر اساس اهداف میان‌مدت و خروجی‌های مشخص بودجه می‌گیرند. نمونه موفق آن بریتانیاست که پس از سال ۱۹۹۶ نظام سرمایه‌گذاری Lottery Funding را بنا کرد و طی یک دهه، نتایج المپیکی‌اش چند برابرشد. «بودجه همانند سوخت است؛ بدون آن هیچ‌کدام از سازوکارهای دیگر حرکت نمی‌کنند» (UK Sport, 2012: 15)

۴ـ بی‌ثباتی و عدم استقلال مدیریتی

۴ـ۱ـ تغییرات مکرر مدیریتی

یکی از بحران‌های مزمن دوومیدانی ایران، تغییر مداوم مدیران فدراسیون است. در دو دهه اخیر، بیش از ده رئیس مختلف بر رأس فدراسیون قرار گرفته‌اند (سجادی، ۱۳۹۹: ۱۱۵). هر تغییر مدیریتی عملاً به معنای توقف پروژه‌های قبلی و آغاز طرح‌های جدید است؛ بدون آن‌که فرصتی برای اجرا و ارزیابی برنامه‌ها فراهم شود.

۴ـ۲ـمدیریت سیاسی و غیرتخصصی

بخش قابل‌توجهی از مدیران فدراسیون دوومیدانی نه سابقه تخصصی در این رشته، بلکه ارتباطات سیاسی داشته‌اند. این امر موجب می‌شود تصمیم‌گیری‌ها بیشتر تحت تأثیر ملاحظات بیرونی قرار گیرد تا نیازهای واقعی ورزشکاران. به گفته یکی از مربیان باسابقه: «وقتی رئیس فدراسیون دغدغه‌اش انتخابات بعدی باشد، نه دوومیدانی. طبیعتاً هیچ برنامه‌ای به ثمر نمی‌رسد». (قاسمی، ۱۴۰۱: ۸۵).

۴ـ۳ـ نبود استقلال نهادی

فدراسیون‌ها در ایران از نظر مالی و اداری به وزارت ورزش وابسته‌اند. این وابستگی مانع شکل‌گیری برنامه‌ریزی بلندمدت است. در حالی که در کشورهای موفق، فدراسیون‌ها استقلال مالی نسبی دارند و می‌توانند با اسپانسرها قراردادهای بلندمدت ببندند (Houlihan & Green, 2008: 98).

۴ـ۴ـ پیامدهای بی‌ثباتی

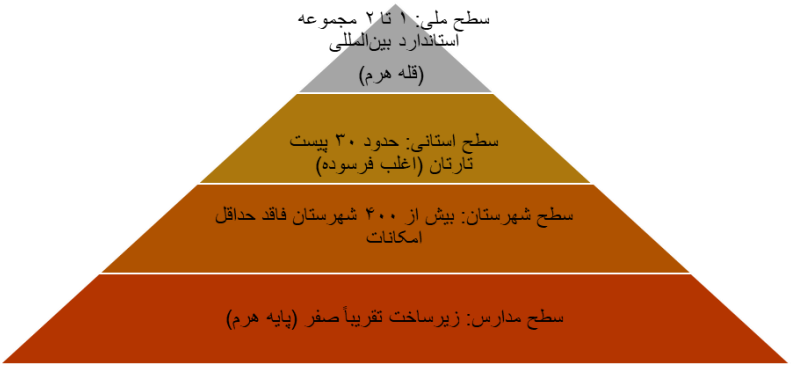
- سردرگمی ورزشکاران و مربیان :هر مدیر جدید، سیاست‌های متفاوتی دارد؛ این موجب بی‌اعتمادی و بی‌انگیزگی در بدنه ورزش می‌شود.
- توقف چرخه یادگیری نهادی :سازمان‌ها باید از تجربیات گذشته بیاموزند. اما وقتی هر بار همه چیز از صفر شروع می‌شود، هیچ حافظه نهادی شکل نمی‌گیرد.
- فقدان پاسخگویی :تغییر سریع مدیران موجب می‌شود هیچ‌کس در قبال نتایج ضعیف پاسخگو نباشد.

۴_۵_ تجربه کشورهای موفق

در کنیا و اتیوپی، اگرچه منابع مالی محدود است، اما فدراسیون‌های دوومیدانی از استقلال نسبی برخوردارند و مدیران غالباً دوره‌های طولانی‌تری بر سر کار می‌مانند. همین ثبات، زمینه‌ساز پرورش قهرمانان جهانی بوده است.(Bale, 2004: 91) «ثبات مدیریتی مهم‌ترین شرط موفقیت راهبردی در ورزش قهرمانی است» (Thibault ,2017: 117)

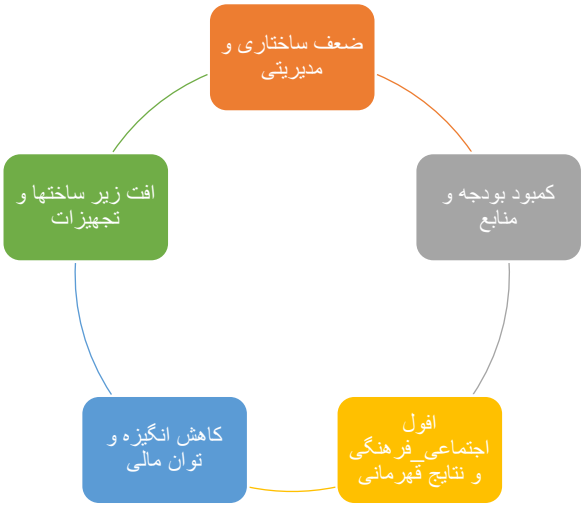
برای درک بهتر عمق این بحران، می‌توان فقر زیرساختی را در قالب یک هرم به تصویر کشید:

نمودار ۱: هرم فقر زیرساختی در دوومیدانی ایران



این هرم به وضوح نشان می‌دهد که پایه سیستم، یعنی مدارس و شهرستان‌ها، تقریباً خالی است و کل ساختار بر روی یک قله لرزان بنا شده است. این مدل، یک مدل توسعه «وارونه» و محکوم به شکست است.

نمودار ۲: چرخه معیوب ضعف ساختاری در دوومیدانی ایران



بخش دوم: ضعف زیرساختی و آموزشی

زیرساخت‌ها و نظام آموزشی به‌عنوان ستون‌های میانی توسعه ورزش، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری و پیشرفت رشته‌هایی چون دوومیدانی دارند. هیچ کشوری بدون برخورداری از پیست‌های استاندارد، تجهیزات ایمن، سالن‌های سرپوشیده و نظام آموزشی کارآمد قادر به تولید قهرمانان پایدار در سطح بین‌المللی نیست. همان‌طور که بوردیو (Bourdieu, 1993: 115) اشاره می‌کند، سرمایه فیزیکی و فرهنگی ورزش از طریق نهادهای آموزشی و امکانات زیرساختی بازتولید می‌شود؛ اگر این نهادها دچار ضعف باشند، چرخه بازتولید متوقف شده و استعدادها هدر می‌روند. تجربه کشورهایی همچون آلمان و آمریکا نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و آموزش‌های علمی نه تنها به موفقیت‌های قهرمانی منجر می‌شود، بلکه فرهنگ عمومی ورزش را نیز ارتقا می‌دهد (Green & Oakley, 2001: 88).در آلمان پس از اتحاد دو آلمان، بیش از ۲۰۰ پیست استاندارد تارتان احداث شد و مدارس ورزشی ویژه برای پرورش مربیان و استعدادها شکل گرفت؛ نتیجه آن، حضور پایدار ورزشکاران آلمانی در فینال‌های المپیک دوومیدانی بود. در ایران، اما شرایط متفاوت است. کمبود شدید امکانات ورزشی، ضعف در آموزش مربیان، و استعدادیابی سنتی و اتفاقی، دوومیدانی کشور را در یک چرخه عقب‌ماندگی قرار داده است. بررسی این ضعف‌ها به ما نشان می‌دهد که چرا حتی با وجود استعدادهای فردی، دوومیدانی ایران قادر به تثبیت جایگاه جهانی خود نیست.

۱ـ فقر شدید زیرساخت‌ها

۱ـ۱ـ پیست‌های استاندارد

بر اساس آمار رسمی وزارت ورزش (۱۴۰۲: ۲۳)، تعداد پیست‌های تارتان استاندارد در ایران کمتر از ۱۰ عدد است و بیشتر آن‌ها تنها در شهرهای بزرگ مانند تهران، اصفهان و مشهد قرار دارند. این در حالی است که در کشوری مانند ژاپن، بیش از ۳۰۰ پیست استاندارد فعال وجود دارد .(Japan Athletics Federation, 2020: 45) نبود پیست استاندارد در شهرهای کوچک موجب می‌شود ورزشکاران مستعد در همان مراحل ابتدایی دچار افت انگیزه شوند.

۱ـ۲ـ تجهیزات فرسوده و غیراستاندارد

دوومیدانی رشته‌ای متنوع است که به تجهیزات تخصصی نیاز دارد؛ از میله پرش با نیزه تا چکش و دیسک استاندارد. در بسیاری از استان‌های ایران، این تجهیزات یا وجود ندارد یا در وضعیت فرسوده و خطرناک قرار دارد (یزدانی، ۱۴۰۰: ۷۲). در نتیجه، رشته‌های پرتابی و پرشی عملاً به حاشیه رانده شده‌اند.

۱ـ۳ـ نبود سالن‌های سرپوشیده

آب‌وهوا عامل مهمی در تمرین دوومیدانی است. در زمستان‌های سرد و تابستان‌های گرم، سالن‌های سرپوشیده استاندارد می‌توانند بستر تمرین پایدار باشند. در حالی که در ترکیه بیش از ۱۰ سالن سرپوشیده دوومیدانی فعال است (Turkish Athletics Federation, 2019: 12)، ایران تقریباً هیچ نمونه مشابهی در سطح ملی ندارد. این مسئله تمرین در نیمه‌ای از سال را دشوار می‌کند.

۲ـ سیستم ناکارآمد پرورش مربی

مربیان حلقه واسط میان علم و عمل ورزشی‌اند. اما در ایران، نظام آموزشی مربیگری از مشکلات زیر رنج می‌برد:

- **دانش ناکافی و به‌روز نبودن** :دوره‌های مربیگری بیشتر تئوری و کوتاه‌مدت‌اند و ارتباط اندکی با علوم روز مانند بیومکانیک و روان‌شناسی ورزشی دارند (زارع، ۱۳۹۸: ۹۰).
- **بی‌ثباتی شغلی** :مربیگری دوومیدانی شغل تمام‌وقت محسوب نمی‌شود و درآمد ناچیز آن بسیاری را به سمت مشاغل دیگر سوق می‌دهد.
- **فقدان ارتباط بین‌المللی** :تعداد دوره‌های مشترک با مربیان خارجی بسیار محدود است؛ در حالی که در کشورهای موفق، مربیان به‌طور منظم در برنامه‌های تبادل علمی شرکت می‌کنند.(Houlihan & Green, 2008: 67)

۳_ نظام استعدادیابی سنتی و اتفاقی

یکی از نقاط ضعف اساسی دوومیدانی ایران، نبود یک طرح ملی برای شناسایی استعدادهاست. در بسیاری از موارد، کشف استعداد بر پایه مشاهده اتفاقی مربی در یک مسابقه مدرسه‌ای یا جشنواره استانی صورت می‌گیرد. این رویکرد پیامدهای منفی دارد:

- **نابرابری جغرافیایی** :تنها مناطقی که مربی فعال دارند، شانس کشف استعداد دارند.
- **هدررفت استعدادها** :بسیاری از ورزشکاران بالقوه هرگز شناسایی نمی‌شوند.
- **فقدان پیگیری بلندمدت** :حتی استعدادهایی که کشف می‌شوند، به دلیل نبود حمایت سیستماتیک، در مسیر رشد رها می‌شوند.

در مقابل، کشورهایی مانند استرالیا برنامه‌های پایش استعداد ملی دارند که از سنین ۸ تا ۱۲ سالگی کودکان را غربالگری می‌کنند (Australian Sports Commission, 2018: 33).

بخش سوم: ضعف علمی و انسانی

اگر زیرساخت‌ها بستر رشد باشند، نیروی انسانی و علم ورزشی موتور محرک توسعه‌اند. دوومیدانی به‌شدت به خدمات علمی مانند فیزیولوژی، تغذیه، روانشناسی و آنالیز بیومکانیکی وابسته است. در کشورهایی چون آمریکا، هر ورزشکار ملی حداقل از ۵ متخصص علمی بهره‌مند است(Smith, 2021: 124) . در ایران، اما ارتباط میان علم و عمل در دوومیدانی ضعیف است. ورزشکاران اغلب بدون برنامه تغذیه، بدون روانشناس ورزشی و بدون آنالیز دقیق تمرین می‌کنند. همین باعث می‌شود حتی استعدادهای بزرگ در سطح بین‌المللی با افت عملکرد یا مصدومیت‌های مکرر روبه‌رو شوند. افزون بر این، فقدان مسیر شغلی پایدار و الگوهای موفق، انگیزه نسل جدید را تضعیف کرده است.

۱_ عدم توجه به علم ورزش

بزرگ‌ترین ضعف علمی دوومیدانی ایران، نبود ساختار تخصصی در حوزه‌های زیر است:

- **روانشناسی ورزشی** :بسیاری از ورزشکاران در مسابقات بین‌المللی دچار اضطراب شدید می‌شوند. در حالی که روانشناس ورزشی می‌تواند نقش کلیدی در مدیریت استرس ایفا کند.(Weinberg & Gould, 2019: 210)
- **تغذیه و فیزیولوژی** :نبود متخصص تغذیه باعث می‌شود برنامه غذایی ورزشکاران اغلب نامناسب باشد و به افت انرژی یا مصدومیت منجر شود.
- **بیومکانیک و آنالیز ویدئویی** :کشورهای پیشرفته از نرم‌افزارهای آنالیز حرکت برای اصلاح تکنیک بهره می‌برند، در حالی که این خدمات در ایران بسیار محدود است.

۲_ نبود مسیر شغلی برای ورزشکار

دوومیدانی ایران فاقد یک لیگ حرفه‌ای پایدار است. باشگاه‌های قدرتمند انگشت‌شمارند و حمایت مالی از ورزشکاران ناچیز است. در نتیجه، یک نوجوان بااستعداد آینده روشنی برای خود نمی‌بیند. این مسئله موجب مهاجرت استعدادها به رشته‌های پرطرفدارتر مانند فوتبال می‌شود (محمدی، ۱۴۰۱: ۵۵). در مقابل، کشورهایی مانند آمریکا نظام لیگ دانشگاهی (NCAA) دارند که نه تنها به ورزشکاران بورسیه تحصیلی می‌دهد، بلکه مسیر ورود آنان به حرفه‌ای شدن را تضمین می‌کند.(Coakley, 2017: 223)

۳_ فقدان الگوهای موفق و الهام‌بخش

الگوها در ورزش نقش نمادین دارند. ورزشکارانی مانند یوسین بولت یا حبیب نورمحمدوف فراتر از مدال، الهام‌بخش نسل‌های بعدی هستند. در ایران، به‌جز معدود قهرمانانی مانند احسان حدادی، دوومیدانی الگوی پایدار و رسانه‌ای ندارد. این کمبود موجب کاهش جذابیت رشته برای نسل جوان می‌شود. به بیان باندورا:«انسان‌ها بیشتر از طریق مشاهده الگوها یاد می‌گیرند تا دستور مستقیم» (Bandura, 1997: 35).

بخش چهارم: دیدگاه اجتماعی و فرهنگی ورزش دوومیدانی

ورزش، تنها فعالیتی بدنی یا رقابتی نیست، بلکه پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌آید که بازتاب‌دهنده ارزش‌ها، باورها و اولویت‌های یک جامعه است. در واقع، هر جامعه‌ای نوع خاصی از ورزش‌ها را برجسته می‌سازد و از رهگذر آن به بازتولید هویت جمعی، انسجام اجتماعی و حتی مشروعیت سیاسی می‌پردازد. در این میان، دوومیدانی که به «مادر ورزش‌ها» شهرت یافته، در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، جایگاه ویژه‌ای در ساختار فرهنگی و رسانه‌ای دارد. حضور پررنگ آن در المپیک، جایگاه جهانی قهرمانان این رشته، و تأثیر آن در سیاست‌های ورزشی و سلامت عمومی، نمونه‌ای روشن از اهمیت اجتماعی–فرهنگی دوومیدانی در سطح بین‌المللی است. اما در ایران، وضعیت به گونه‌ای دیگر است. دوومیدانی با وجود پیشینه تاریخی و توان بالقوه برای کشف استعدادهای فردی، هرگز نتوانسته به جایگاهی هم‌سنگ با ورزش‌هایی همچون فوتبال، کشتی یا والیبال دست یابد. این مسئله دلایل متعددی دارد که از کمبود توجه رسانه‌ها و نبود قهرمان‌سازی گرفته تا ساختار فرهنگی جامعه و ترجیح آن به ورزش‌های تیمی و پرهیجان را شامل می‌شود. بعد اجتماعی–فرهنگی در این میان کلیدی است؛ زیرا در غیاب پشتیبانی اجتماعی و فرهنگی، حتی بهترین زیرساخت‌ها و برنامه‌های مدیریتی نیز کارایی چندانی نخواهند داشت. به بیان دیگر، بدون تغییر نگاه فرهنگی جامعه و حضور رسانه‌ها در تقویت سرمایه نمادین دوومیدانی، این رشته همچنان در حاشیه باقی خواهد ماند.

۱_ جذابیت پایین رسانه‌ای

یکی از مهم‌ترین ابعاد اجتماعی_فرهنگی مرتبط با دوومیدانی در ایران، نبود پوشش رسانه‌ای مؤثر است. رسانه‌ها، به ویژه تلویزیون ملی، نقش بی‌بدیلی در ترویج ورزش‌ها ایفا می‌کنند. اما در ایران، پخش مستقیم یا حتی گزارش‌های کوتاه از مسابقات داخلی دوومیدانی بسیار نادر است. این وضعیت چند پیامد مهم دارد:

نخست آنکه دوومیدانی برای بخش وسیعی از جامعه ناشناخته باقی می‌ماند. بسیاری از مردم حتی از وجود مسابقات قهرمانی کشور یا حضور ورزشکاران ایرانی در رویدادهای آسیایی و جهانی آگاهی ندارند. دوم، غیبت رسانه‌ای مانع شکل‌گیری قهرمانان ملی در ذهن

عموم می‌شود. در حالی که یک فوتبالیست با چند گل در لیگ داخلی به چهره‌ای شناخته‌شده بدل می‌شود، رکوردهای ملی دوومیدانی به سختی در رسانه‌ها بازتاب می‌یابد. سوم، کمبود پوشش رسانه‌ای مستقیماً بر جلب حامیان مالی اثر می‌گذارد. اسپانسرها همواره به دنبال دیده‌شدن هستند و اگر ورزشی در تلویزیون یا رسانه‌های اجتماعی بازتاب نداشته باشد، انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در آن وجود نخواهد داشت. از منظر جامعه‌شناسی ورزش، رسانه‌ها نه فقط بازتاب‌دهنده واقعیت، بلکه «سازندگان واقعیت» هستند (Boyle & Haynes, 2009). فقدان بازنمایی رسانه‌ای در عمل به معنای نادیده‌گرفتن یک رشته ورزشی و حذف آن از حافظه جمعی جامعه است.

۲ـ ترجیح فرهنگی برای ورزش‌های تیمی و برخوردی

فرهنگ عمومی ایران، به‌ویژه پس از قرن بیستم، به سمت ورزش‌های تیمی و پرهیجان گرایش یافته است. فوتبال به دلیل ماهیت جمعی، امکان شادمانی یا اندوه گروهی، و ساختار روایی ساده‌اش (برنده–بازنده، گل–هیجان) به پدیده‌ای فرهنگی بدل شده است. کشتی به‌عنوان ورزش سنتی ایرانی، پیوندی عمیق با هویت ملی و آیینی دارد. والیبال نیز طی دو دهه اخیر، با موفقیت‌های بین‌المللی و هیجان لحظه‌ای، توانسته جایگاه مهمی در فرهنگ عمومی پیدا کند. دوومیدانی، برعکس، ورزشی انفرادی، رکوردمحور و کم‌هیجان است. مسابقه پرتاب دیسک یا دو ۱۰ هزار متر نه جذابیت نمایشی بالایی دارد و نه امکان تخلیه هیجان جمعی را به همان اندازه فوتبال یا کشتی فراهم می‌کند. همین ویژگی‌ها سبب شده که در فرهنگ عمومی، دوومیدانی ورزشی «سرد»، «فردی» و «کم‌تماشاگر» تلقی شود. از دیدگاه بوردیو(Pierre Bourdieu) ، ذائقه فرهنگی جامعه نتیجه ساختارهای اجتماعی و تاریخی است. در ایران، تجربه تاریخی ورزش‌های آیینی (مثل زورخانه‌ای) و هم‌زمان توسعه رسانه‌ای فوتبال، زمینه را برای ترجیح ورزش‌های برخوردی و گروهی فراهم کرده است. در چنین بستری، دوومیدانی به دلیل ناسازگاری با ذائقه عمومی، همواره در حاشیه باقی مانده است.

۳ـ فقدان الگوها و قهرمانان اجتماعی

یکی دیگر از جنبه‌های فرهنگی مهم، نبود قهرمانان دوومیدانی در حافظه جمعی جامعه ایران است. در حالی که نام‌هایی چون علی دایی، رسول خادم یا سعید معروف به نمادهای ورزشی بدل شده‌اند، کمتر کسی نام قهرمانان ملی دوومیدانی ایران را به یاد دارد. این مسئله تنها به عملکرد ورزشی مربوط نمی‌شود؛ بلکه فقدان رسانه‌سازی و روایت‌پردازی پیرامون این قهرمانان عامل اصلی است. قهرمانان ورزشی نه تنها الهام‌بخش نسل جدید می‌شوند، بلکه به الگویی برای هویت‌یابی اجتماعی بدل می‌گردند. در غیاب چنین الگوهایی، دوومیدانی نه در سطح فردی و نه در سطح جمعی نمی‌تواند جذابیت فرهنگی خود را افزایش دهد.

۴_ پیامدهای اجتماعی و فرهنگی

کم‌توجهی فرهنگی و رسانه‌ای به دوومیدانی پیامدهای گسترده‌ای دارد. نخست، کاهش انگیزه در میان ورزشکاران است. ورزشکارانی که مطمئن‌اند حتی رکورد ملی‌شان بازتاب رسانه‌ای نخواهد داشت، انگیزه کمتری برای ادامه فعالیت پیدا می‌کنند. دوم، کاهش مشارکت اجتماعی در این رشته است؛ زیرا مردم کمتر به سمت ورزشی می‌روند که در فرهنگ عمومی جایگاهی ندارد. سوم، تأثیر منفی بر سلامت عمومی جامعه است؛ زیرا دوومیدانی به‌عنوان پایه بسیاری از ورزش‌ها، می‌تواند در ترویج سبک زندگی فعال نقش محوری داشته باشد.

۵_ راهکارهای تقویت بعد اجتماعی_فرهنگی دوومیدانی ایران

۵_۱_ بازآرایی رسانه‌ای و افزایش پوشش خبری

یکی از مهم‌ترین موانع رشد دوومیدانی در ایران، کمبود توجه رسانه‌ای است. رسانه‌ها می‌توانند با برجسته‌سازی مسابقات، قهرمانان و روایت‌های ورزشی، یک رشته را به «سرمایه فرهنگی» تبدیل کنند (بوردیو، ۱۳۸۰؛ Bale & Sang, 1996) .در شرایطی که فوتبال و کشتی تقریباً انحصار پوشش تلویزیونی را دارند، ایجاد برنامه‌های اختصاصی برای دوومیدانی در صداوسیما و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند این رشته را از حاشیه خارج سازد.

۵_۲_ قهرمان‌سازی و روایت‌پردازی فرهنگی

قهرمانان ورزشی نه‌تنها به‌عنوان الگوهای فردی، بلکه به‌عنوان حاملان هویت جمعی اهمیت دارند (Lines, 2001؛ اباذری، ۱۳۹۰). در ایران نیز تجربه نشان داده است که زمانی که یک ورزشکار در سطح بین‌المللی بدرخشد، به‌سرعت توجه عمومی را جلب می‌کند؛ مانند احسان حدادی در پرتاب دیسک. تولید مستند، مصاحبه و روایت‌های الهام‌بخش از زندگی ورزشکاران دوومیدانی می‌تواند این قهرمانان را به چهره‌های فرهنگی بدل سازد (فراهانی، ۱۳۹۴).

۵_۳_ آموزش بازاریابی فرهنگی به مدیران ورزشی

مدیران ورزشی در ایران اغلب با مفاهیم بازاریابی فرهنگی آشنا نیستند. حال آنکه ورزش نه‌فقط یک فعالیت جسمی، بلکه محصولی اجتماعی و فرهنگی است .(Giulianotti, 2005) اگر فدراسیون دوومیدانی بتواند با طراحی رویدادهای مردمی مانند «دو خانوادگی» یا «ماراتن شهری» به بازنمایی رسانه‌ای بپردازد، جذابیت این رشته افزایش خواهد یافت (امینی، ۱۳۹۶).

۵_۴_ استفاده از ظرفیت مدارس و آموزش و پرورش

مدارس یکی از مهم‌ترین عرصه‌های فرهنگ‌سازی ورزشی هستند. گنجاندن مسابقات دوومیدانی در جشنواره‌های ورزشی مدارس، همراه با پوشش رسانه‌ای، می‌تواند مشارکت دانش‌آموزان را بالا ببرد(Nakazawa, 2017؛ مهرابی، ۱۳۹۲). این روند در کشورهایی مانند ژاپن نشان داده است که حتی رقابت‌های دانش‌آموزی قادرند به رویدادهای ملی با میلیون‌ها بیننده تبدیل شوند.

۵_۵_ پیوند دوومیدانی با ارزش‌های ملی و اجتماعی

برای جلب مشارکت مردم، باید دوومیدانی با ارزش‌های اجتماعی و ملی پیوند داده شود. دویدن می‌تواند با مفاهیمی چون سلامت عمومی، نشاط اجتماعی و حتی آیین‌های ملی و مذهبی پیوند بخورد. برگزاری «دو همگانی» در مناسبت‌هایی مانند روز جوان یا هفته سلامت می‌تواند دوومیدانی را در زندگی روزمره مردم تثبیت کند (هاشمی، ۱۳۹۴؛Xu, 2012).

۵_۶_ تقویت حضور زنان در دوومیدانی

دوومیدانی ورزشی است که امکان مشارکت گسترده زنان را فراهم می‌کند. توجه به زنان ورزشکار می‌تواند الگوسازی فرهنگی ایجاد کند و به افزایش مشارکت اجتماعی منجر شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تقویت ورزش زنان نه‌تنها موجب ارتقای عدالت جنسیتی می‌شود، بلکه سرمایه اجتماعی کل ورزش را افزایش می‌دهد (Hargreaves, 2000؛ نیک‌پی، ۱۳۹۷).

۵_۷_ بهره‌گیری از فناوری و رسانه‌های نوین

نسل جوان به‌شدت تحت‌تأثیر فناوری‌های نوین است. تولید اپلیکیشن‌های موبایلی برای ثبت رکوردها، برگزاری مسابقات آنلاین، و پخش زنده اینترنتی می‌تواند دوومیدانی را برای جوانان جذاب‌تر کند (Hutchins & Rowe, 2012). در ایران نیز با گسترش دسترسی به اینترنت پرسرعت و شبکه‌های اجتماعی، چنین راهبردهایی می‌توانند کارآمد باشند (قاسمی، ۱۴۰۰).

نتیجه گیری

دوومیدانی به‌عنوان «مادر ورزش‌ها» در سطح جهانی جایگاهی بی‌بدیل دارد؛ رشته‌ای که در بطن خود تنوعی از مهارت‌ها و توانایی‌های جسمی و روانی انسان را بازتاب می‌دهد و در بسیاری از کشورها نماد ملی و فرهنگی محسوب می‌شود. اما بررسی وضعیت این ورزش در ایران نشان می‌دهد که علی‌رغم ظرفیت‌های بالقوه، دوومیدانی نتوانسته است جایگاه شایسته‌ای در فرهنگ عمومی و نظام ورزشی کشور پیدا کند. تحلیل ابعاد اجتماعی–فرهنگی این وضعیت، مجموعه‌ای از عوامل درهم‌تنیده را آشکار می‌سازد که در این جمع‌بندی به شکلی یکپارچه مرور می‌شوند.

نخستین عامل، جایگاه ضعیف رسانه‌ای دوومیدانی است. رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون که همچنان اصلی‌ترین مرجع شکل‌دهی به افکار عمومی ورزشی در ایران محسوب می‌شوند، پوشش بسیار اندکی از مسابقات داخلی و حتی رویدادهای بین‌المللی این رشته دارند. این کم‌توجهی موجب می‌شود دوومیدانی در ذهن مخاطبان به رشته‌ای کم‌اهمیت تنزل یابد. در نتیجه، اسپانسرها و حامیان مالی نیز انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در این رشته پیدا نمی‌کنند و چرخه توسعه رسانه‌ای–اقتصادی دوومیدانی معیوب باقی می‌ماند. در حالی‌که تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد رسانه‌ها با روایت‌پردازی مداوم، ایجاد هیجان و معرفی قهرمانان، نقش محوری در ارتقای جایگاه دوومیدانی دارند.

عامل دوم، ترجیح فرهنگی جامعه ایران به ورزش‌های تیمی و برخوردی است. در فرهنگ ورزشی ایران، هیجان لحظه‌ای، درگیری فیزیکی و انسجام جمعی ارزش بالاتری دارد. فوتبال، کشتی و والیبال دقیقاً چنین ویژگی‌هایی دارند و به همین دلیل توانسته‌اند در صدر محبوبیت قرار گیرند. دوومیدانی اما ورزشی انفرادی و رکوردمحور است که جذابیت‌های لحظه‌ای کمتری دارد و از همین رو برای عموم جامعه کمتر گیرایی داشته است. این ویژگی باعث می‌شود دوومیدانی در رقابت فرهنگی با رشته‌های پرهیجان‌تر بازنده باشد، مگر آن‌که با روایت‌پردازی رسانه‌ای و نمادسازی فرهنگی تقویت شود.

سومین نکته به مسئله قهرمان‌سازی و الگوپردازی فرهنگی مربوط است. جامعه ایران به‌ندرت شاهد معرفی مستمر قهرمانان دوومیدانی بوده است. جز در مواردی مانند مدال‌آوری احسان حدادی یا چند موفقیت پراکنده دیگر، دوومیدانی نتوانسته قهرمانانی با هویت پایدار در حافظه جمعی بسازد. نبود روایت‌پردازی فرهنگی و داستان‌سازی از زندگی و موفقیت‌های این قهرمانان باعث شده است نسل جوان ارتباط عاطفی و هویتی با این ورزش برقرار نکند. در حالی که در کشورهایی مانند جامائیکا یا کنیا، قهرمانان دوومیدانی نه‌تنها به ستارگان ورزشی، بلکه به نمادهای ملی و فرهنگی تبدیل شده‌اند.

چهارمین عامل، ضعف در بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظام آموزشی است. مدارس، به‌عنوان نخستین عرصه آشنایی کودکان و نوجوانان با ورزش، می‌توانند نقش مهمی در اجتماعی‌سازی دوومیدانی داشته باشند. با این حال، در ایران این رشته به فعالیت‌های ساده‌ای در زنگ ورزش محدود می‌شود و هیچ جایگاهی در سطح جشنواره‌های دانش‌آموزی یا رقابت‌های جدی ندارد. همین امر سبب می‌شود که دوومیدانی از همان ابتدای فرایند اجتماعی‌سازی به حاشیه رانده شود. در حالی که در کشورهایی مانند ژاپن، برگزاری رویدادهای دانش‌آموزی عظیم موجب پیوند دوومیدانی با فرهنگ عمومی شده است.

پنجمین بعد، نقش زنان در توسعه دوومیدانی است. این رشته به دلیل تنوع رویدادها و ماهیت رقابتی می‌تواند بستری مناسب برای مشارکت گسترده زنان باشد. با این حال، محدودیت‌های فرهنگی، کمبود حمایت رسانه‌ای و فقدان امکانات زیرساختی مانع از حضور پررنگ زنان در این حوزه شده است. این محرومیت نه تنها بر عدالت جنسیتی تأثیر گذاشته، بلکه ظرفیت مهمی برای توسعه سرمایه اجتماعی و فرهنگی دوومیدانی را نیز از بین برده است.

در نهایت، فناوری و رسانه‌های نوین فرصت بزرگی برای معرفی دوومیدانی فراهم کرده‌اند، اما تاکنون استفاده مؤثری از آن‌ها نشده است. در شرایطی که نسل جوان بیشتر در بستر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های آنلاین فعالیت دارد، غیبت دوومیدانی در این فضا به معنای از دست دادن بخش عمده‌ای از مخاطبان بالقوه است. با کنار هم قرار دادن این ابعاد می‌توان نتیجه گرفت که مشکل اصلی دوومیدانی در ایران نه در حوزه استعداد و توانمندی‌های فردی ورزشکاران و نه صرفاً در زیرساخت‌های فنی، بلکه در فقدان جایگاه اجتماعی–فرهنگی است. این ورزش هنوز نتوانسته وارد حافظه جمعی و فرهنگ عمومی مردم شود و به بخشی از سبک زندگی آنان بدل گردد. اگر رسانه‌ها، نظام آموزشی، سیاست‌گذاران ورزشی و نهادهای فرهنگی هم‌افزا عمل کنند، امکان آن وجود دارد که دوومیدانی از حاشیه به متن ورزش ایران منتقل شود. این امر نیازمند استراتژی‌های جامع در حوزه رسانه‌ای، فرهنگی، آموزشی و مدیریتی است؛ استراتژی‌هایی که بتوانند دوومیدانی را از یک رشته صرفاً تخصصی به پدیده‌ای اجتماعی–فرهنگی و ملی ارتقا دهند.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

- اباذری، یوسف (۱۳۹۰) .*نقد فرهنگ عمومی و جامعه ایران* .تهران: نشر نی.
- امینی، حسین (۱۳۹۶). «مدیریت ورزشی و بازاریابی فرهنگی در ایران .«*فصلنامه مدیریت ورزشی*، ۸(۲)، ۶۳-۴۵.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۰). درباره تلویزیون و سلطه ژورنالیسم. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- بوردیو، پی‌یر (۱۹۹۳). جامعه‌شناسی ورزش. پاریس: انتشارات مینه‌وی.
- زارع، ناصر (۱۳۹۸). مربیگری علمی در ورزش ایران. تهران: انتشارات حامی.
- فراهانی، محمد (۱۳۹۴). «قهرمانان ورزشی و هویت اجتماعی در ایران .«*مجله جامعه‌شناسی ورزش*، ۵(۱)، ۱۳۲-۱۱۵.
- قاسمی، علیرضا (۱۴۰۰). «رسانه‌های نوین و توسعه ورزش در ایران .«*پژوهش‌های فرهنگی و ارتباطات*، ۱۲(۳)، ۲۳۳- ۲۵۴.
- کیانی، محمدرضا (۱۴۰۰). ورزش و رسانه: تحلیل فرهنگی ورزش‌های ایران. مجله مطالعات فرهنگی، ۱۲(۳).
- محمدی، علی‌اکبر (۱۴۰۱). «موانع توسعه لیگ‌های ورزشی ایران». مجله مطالعات مدیریت ورزشی، ۹(۱): ۵۰—۶۲.
- مهرابی، سعید (۱۳۹۲). مدارس و فرهنگ ورزش در ایران معاصر. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- نیک‌پی، سارا (۱۳۹۷). «ورزش زنان و سرمایه اجتماعی .«*پژوهش‌نامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی ورزش*، ۶(۲)، ۸۹- ۱۰۴.
- هاشمی، علی (۱۳۹۵). جامعه شناسی ورزش در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- هاشمی، مهدی (۱۳۹۴). ورزش و هویت فرهنگی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- هاشمی، مهدی(۱۳۹۴) .*ورزش و هویت فرهنگی* .تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- وزارت ورزش و جوانان (۱۴۰۲). گزارش زیرساخت‌های ورزشی ایران. تهران .

- یزدانی، سعید (۱۴۰۰). «وضعیت تجهیزات و امکانات دوومیدانی در ایران». پژوهشنامه علوم ورزشی، ۱۲(۲): ۶۸–۷۸.

منابع خارجی

- Australian Sports Commission (2018). National Talent Identification and Development Strategy. Canberra.
- Bale, J. (2004). Running Cultures: Racing in Time and Space. London: Routledge.
- Bale, John & Sang, Joe (1996). Kenyan Running: Movement Culture, Geography and Global Change. London: Frank Cass.
- Bandura, A. (1997). Self-Efficacy: The Exercise of Control. New York: Freeman.
- Bourdieu, P. (1993). Sociology in Question. London: Sage.
- Boyle, R., & Haynes, R. (2009). Power Play: Sport, the Media and Popular Culture. Edinburgh University Press.
- Coakley, J. (2017). Sports in Society: Issues and Controversies. New York: McGraw-Hill.
- Giulianotti, R. (2005). Sport: A Critical Sociology. Polity Press.
- Giulianotti, Richard (2005). Sport: A Critical Sociology. Cambridge: Polity Press.
- Green, M., & Oakley, B. (2001). Elite Sport Development Systems and Playing to Win. Manuscript, Loughborough University.
- Guttmann, A. (2004). From Ritual to Record: The Nature of Modern Sports. Columbia University Press.
- Hargreaves, Jennifer (2000). Heroines of Sport: The Politics of Difference and Identity. London: Routledge.
- Houlihan, B., & Green, M. (2008). Comparative Elite Sport Development: Systems, Structures and Public Policy. Oxford: Elsevier.
- Hutchins, Brett & Rowe, David (2012). Sport Beyond Television: The Internet, Digital Media and the Rise of Networked Media Sport. London: Routledge.
- Japan Athletics Federation (2020). Annual Report. Tokyo.
- Lines, Gill (2001). «Villains, Fools or Heroes? Sports Stars as Role Models for Young People». Leisure Studies, 20(4), 285–303.

- Nakazawa, A. (2018). School Sports and Athlete Development in Japan. International Journal of Sport Policy, 10(3), 210–225.
- Nakazawa, Atsushi (2017). Sport and Society in Japan. London: Routledge.
- Smith, J. (2021). Sport Policy and Development. New York: Routledge.
- Thibault, L. (2017). Globalization of Sport and Sport Management. Journal of Sport Management, 31(2), 112–120.
- Turkish Athletics Federation (2019). Indoor Athletics Facilities Report. Ankara.
- UK Sport (2012). Sport Policy and Investment Strategy 2012–2020. London: UK Sport.
- Weinberg, R. & Gould, D. (2019). Foundations of Sport and Exercise Psychology. Champaign: Human Kinetics.
- Whitehead, M. (2010). Physical Literacy: Throughout the Lifecourse. London: Routledge.
- Xu, Guoqi (2012). Olympic Dreams: China and Sports, 1895–2008. Cambridge, MA: Harvard University Press.